

### قلمرو زبانی

واژه های مشخص شده را معنی کنید.

۱- دستتان را بر چشمهای درشتتان حمایل کرده بودید.

۲- از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.

۳- شبخ شما را در تاریکی تعقیب می گردم.

۴- حزین ترین و عاشقانه ترین لحنی بود که شنیده بودم.

۵- معبّر تمام شد و وارد محوطه شدیم.

۶- بچه ها هم از دست آن ذله شده بودند.

۷- انهدام تیربار، کار من بوده است.

۸- دوباره به من تشر زدید.

۹- در گروه کلمات زیر نادرستی های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

« مصر بودن - سراغ گرفتن - ثلث سوم - حمایل کردن - کز کردن - جذب دیدار - خبر قابل ارض - عجیب و قریب - طفره

رفتن - متقاعد کردن - دریغ داشتن - شبه و سایه - زمزمه لطیف - جُثه آدم - حزین و عاشقانه - زمزمه کردن»

۱۰- هر یک از موارد زیر را بررسی کنید و در صورت داشتن نادرستی املائی، شکل صحیح واژه را در مقابل آن بنویسید.

الف) آنقدر نشستم تا نخاسته به خواب رفتم. سروصداها و هیاهو مرا از خواب پراند. (.....)

ب) صدای مهیب توپخانه، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود حزم کرد. (.....)

پ) بچه ها هم که انگار از دست آن ذله شده بودند، تکبیر گفتند. (.....)

ت) ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود خورشید رفته است، سر شب، سراق ماه (.....)

ث) یک کربلا شکوه به چشم نهفته است ای روزه مجسم گودال قتلگاه (.....)

۱۱- روابط معنایی (تضاد، تناسب، تضمن) را در هر یک از موارد زیر بررسی کنید.

الف) تل و گودال (ب) مسلسل و دوشکا (پ) رگبار و تیربار

۱۲- با توجه به بند زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« آفتاب، چشم هایتان را می زد؛ برای همین دستتان را بر چشمهای درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده

بودید، دست دیگران را هم به هنگام صحبت کردن تکان میدادید. نزدیک بود فریاد بزنم: آقای موسوی! من موخدی ام.

شاگرد شما».

الف) زمان فعل های جملات اول و دوم را مشخص کنید.

ب) یک ضمیر پیوسته و یک ضمیر گسسته بیابید و مرجع هر ضمیر را مشخص کنید.

پ) نقش دستوری قسمت مشخص شده چیست؟

بخش دوم: قلمرو ادبی

۱۳- در هر یک از موارد زیر، قسمت مشخص شده چه آرایه ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

الف) معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشیدم، مطمئن نیستم.

ب) زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد.

پ) خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ یا ماه، بی ملاحظه افتاده بین راه؟

ت) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۱۴- مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

الف) گرم کردن دل ب) جگرخراش پ) در دست گرفتن

۱۵- با توجه به بیت:

لبریز زندگی است نفس های آخرت آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

الف) کدام آرایه ادبی بر زیبایی مصراع اول افزوده است؟

ب) آرایه تشخیص را در این سروده نشان دهید.

بخش سوم: قلمرو فکری

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱۶- آفتاب، چشم هایتان را می زد.

۱۷- دلم را گرم کرد، از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.

۱۸- خبر قابل عرض نداشتیم.

۱۹- گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بوده

۲۰- آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟

۲۱- شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۲۲- یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه مجسم گودال قتلگاه

۲۳- درباره ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

الف) دیدم که از مچتان خون می ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اول فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی

دستتان را با خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی اختیار مجاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده اید، با چه قدرتی!

با چه ایمانی!

ب) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

پ) زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

۲۴- چه مفهوم مشترکی در عبارت و سروده زیر دیده می شود؟

الف) مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما. می گفت نمرات ثلث سوم را که داده اید، رفته اید آقا! احتمال میداد که جبهه

رفته باشید ولی یقین نداشت. من هم تا وقتی با چشم های خودم ندیدم که بر بالای تل خاکی ایستاده اید - چفیه بر

گردن و کلت بر کمر - و برای بچه ها صحبت می کنید، یقین نکردم.

ب) برای وصف میدان های پرمین برای وصف خال و زلف چین چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه «نظامی» می شوم در «قصر شیرین»

۲۵- سروده زیر با کدام عبارت مناسب دارد؟  
دانلود از اپلیکیشن پادرس

هر سال چو نوبهار خرم

تا باز کند به روی عالم

از لاله دهد به سبزه زیور

ای دوست، مرا به خاطر آور!

بیدار شود ز خواب نوشین

دیباچه خاطرات شیرین

الف) خودتان می دانید که من بیش از همه مُصِرِ بودم در شنیدن حرفهای شما. همیشه این طور بوده.

ب) آن قدر جذب دیدار شما شده بودم که فراموش کردم برای رساندن پیغام به گردان شما آمده ام.

پ) قبل از اینکه بگویم: «آقای موسوی، من ...». شما آغوش گشودید و گفتید: «به به! سلام علیکم احمدجان موحدی!» تعجب

کردم از اینکه اسم و فامیلم را هنوز از یاد نبرده اید.

ت) حالا دل خوشی ام به این است که هر روز صبح، گرد قاب عکستان را پاک کنم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.

۲۶- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

دارد اسارت تو به زینب اشارتی

از دور دست میرسد آیا کدام پیک؟

الف) این سروده در وصف کیست؟

ب) مصرع دوم بیت اول به چه موضوعی اشاره می کند؟

پ) بیت دوم کدام ویژگی شخص مورد نظر را بیان می کند؟

ت) بیت سوم چه خصلتی را می ستاید؟

بخش چهارم - حفظ شعر

آه این سر بریده ماه است در پگاه؟

یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟

۲۷- خورشید، .....

۲۸- ماه .....

حُسن شهادت از همه سنی فراتر است

۲۹- ترسم .....

۳۰- شاهد .....

۳۱- دارد .....

از دور دست میرسد آیا کدام پیک؟

۳۲- لبریز .....

۳۳- یک .....

ای محسن شهید من، ای سن بی گناه

ای مسلم شرف، به کجا می کنی نگاه؟

### پاسخ سوالات

۱- حمایل: نگهدارنده، محافظ

۲- شامه: حس بویایی / غریب: عجیب، شگفت آور

۳- شیخ: آنچه به صورت سیاهی به نظر می آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی

۴- حزین: غم انگیز

۵- معبر: محل عبور، گذرگاه

۶- ذلّه: درمانده، خسته

۷- انهدام: ویران شدن، فرو ریختن

۸- تشر: سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است و معمولاً به قصد ترساندن و تهدید کردن کسی گفته میشود.

۹- در گروه کلمات «خبر قابل ارض»، «عجیب و قریب» و «شبه و سایه» نادرستی املائی وجود دارد و شکل صحیح آنها به صورت «خبر قابل عرض»، «عجیب و غریب» و «شبح و سایه» است.

۱۰- الف) «نخاسته»: نخواسته (ب) «حزم»: هضم

(پ) نادرستی املائی ندارد. (ت) «سراق»: سراغ

(ث) «روزه»: روزه

۱۱- الف) تضاد (ب) تضمن (پ) تناسب

۱۲- الف) «می زد»: ماضی استمراری؛ «شده بود»: ماضی بعید

(ب) ضمیر پیوسته: «تان» در «چشمهایتان» مرجع ضمیر: «آقای موسوی» ضمیر گسسته: «من»، مرجع ضمیر: «راوی

داستان» یا «موحدی» (پ) بدل

۱۳- الف) «دم»: مجاز از لحظه

(ب) «زمزمه لطیف»: حس آمیزی

(پ) «خورشید»: استعاره از سر شهید

(ت) «دادگاه عشق»: تشبیه («عشق»: مشبه؛ «دادگاه»: مشبه به

۱۴- الف) امیدوار کردن (ب) دردآور و اندوهبار (پ) بر عهده گرفتن

۱۵- الف) متناقض نما (پارادوکس) (ب) «پناه آوردن مرگ»: تشخیص

۱۶- نور خورشید چشم هایتان را اذیت می کرد.

۱۷- به من امید بخشید، به سرعت برخاستم و به طرف شما دویدم.

۱۸- خبری که ارزش گفتن داشته باشد، نداشتم.

۱۹- گودالی که از برخورد گلوله توپ در خاک ایجاد شده بود.

۲۰- آه، این سر بریده شده، مانند ماه در سحرگاه است یا مثل خورشید سرخ رنگ هنگام غروب است؟

۲۱- نیازی نیست در دادگاه عشق، برای تو شاهی بیاورند؛ زیرا رگ بریده گردنت بهترین گواه است.

۲۲- به اندازه کربلا در چشمت، بزرگی پنهان شده است؛ ای کسی که برای سوگواری بریده شدن سر امام حسین (ع) در

گودال قتلگاه، نمونه ای آشکار هستی.

۲۳- هر دو توصیف کننده رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار میدانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ

ندارند.

۲۴- رهاکردن وابستگی ها و رو کردن به مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه های جنگ

۲۵- گزینه «ت»

۲۶- الف) شهید محسن حججی (ب) سربریده بودن شهید

(پ) اسیر داعش شدن (ت) حفظ شرافت با فداکاری

۲۷- خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ یاماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟

خورشید رفته است، سر شب، سراغ ماه  
یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه  
در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه  
از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟  
آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه  
ای روضه مجسم گودال قتلگاه

۲۸- ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود  
۲۹- ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد  
۳۰- شاهد نیاز نیست که در محضر آورند  
۳۱- دارد اسارت تو به زینب اشارتی  
۳۲- لبریز زندگی است نفس های آخرت  
۳۳- یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است

گروه زبان و ادبیات فارسی  
استان اذربایجان شرقی